

بررسی فقهی و حقوقی رشوه در فضای مجازی^۱

محمد محسنی دهکلانی *

علی اکبر ایزدی فرد **

سعید بداغی ***

چکیده

رشوه به عنوان یک پدیده ناپسند اجتماعی مورد تنفر عمومی است و قوانین بسیاری از کشورها با مجرمانه‌دانستن آن اقدام به وضع قوانین مجازات برای مرتکب رشوه نموده‌اند. در این پژوهش این سؤال مورد مذاقه نظر قرار گرفته است که آیا ظرف تحقق رشوه و رکن مادی آن صرفاً عالم تکوین است؟ به گونه‌یی که عنصر مادی این جرم یعنی اعطاء مال و بذل هر آنچه که مطبوع مرتشی باشد جز در طبیعت محسوس شکل نمی‌گیرد؟ و تحقق آن همواره به همان شکل سنتی امکان‌پذیر است؟ یا اینکه با قبول توسعه در مصادیق «بذل و اعطاء» و پذیرش پدیده «تحول مصادیق»، فضای سایبری نیز می‌تواند ظرف تحقق عنوان مجرمانه رشوه در دنیای امروز باشد؟ نویسندگان با قبول نظریه اخیر به دنبال آن است اولاً مختصات رشوه مجازی را تبیین نموده ثانیاً مقارنات و مفارقات این پدیده در دو فضای سنتی و مجازی را برشمارد.

کلید واژه‌ها: رشوه، رشوه مالی، رشوه غیرمالی، فضای سایبری.

۱- تاریخ وصول: ۹۲/۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۲۸

* استادیار دانشکده الهیات دانشگاه مازندران mmdehkalany@umz.ac.ir

** استاد دانشکده الهیات دانشگاه مازندران Izadifard@umz.ac.ir

*** کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه مازندران

۱- مقدمه

یکی از بلاهای بزرگی که از قدیمی‌ترین زمانها دامنگیر بشر بوده و اکثر جوامع تا به امروز با آن مواجه‌اند، رشوه‌خواری است. شیوع این پدیده یکی از بزرگترین موانع اجرای عدالت اجتماعی است. رشوه-خواری سبب می‌شود قوانین که قاعداً باید حافظ منافع طبقات ضعیف و یا حداقل همگان باشد به سود مظالم و طبقات نیرومند به کار بیفتد.

بدیهی است اگر باب رشوه گشوده شود قوانین درست نتیجه معکوس خواهد داد، زیرا اقویا هستند که قدرت بر پرداختن رشوه دارند و در نتیجه قوانین بازیچه تازه‌ای در دست آنها برای ادامه ظلم و ستم و تجاوز به حقوق ضعفا خواهد شد.

به همین دلیل اگر در هر اجتماعی رشوه نفوذ کند، شیرازه آن اجتماع از هم می‌پاشد و ظلم و فساد و بی‌عدالتی و تبعیض در همه سازمان‌ها نفوذ می‌کند و از قانون عدالت جز نامی باقی نخواهد ماند لذا در اسلام مسأله رشوه‌خواری با شدت هر چه تمامتر، مورد تقبیح قرار گرفته و محکوم شده است و یکی از گناهان کبیره محسوب می‌شود.

ولی قابل توجه این است که زشتی رشوه سبب می‌شود که این هدف شوم در لابلای عبارات و عناوین فریبنده دیگر انجام گیرد و رشوه‌خوار و رشوه دهنده از نامهایی مانند هدیه، تعارف، حق و حساب، حق الزحمه و انعام استفاده کنند ولی روشن است این تغییر نامها به هیچ وجه تغییری در ماهیت آن نمی‌دهد و در هر صورت پولی که از این طریق گرفته می‌شود حرام و نامشروع است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲، ۷). رشوه دادن و رشوه گرفتن از زمره جرایم علیه آسایش عمومی می‌باشند که باعث سلب اعتماد و اطمینان مردم نسبت به نظام اجرایی و اداری و فاسد شدن مأموران دولتی می‌شوند.

کنوانسیونهای بین‌المللی متعدد مربوط به مبارزه با فساد اداری به طور مفصل به این جرم پرداخته‌اند.^۱ امروزه بسیاری از مردم از شبکه جهانی یا اینترنت برای مبادله پیام یا فعالیت‌های دیگر استفاده می‌کنند. این شبکه‌ها فاصله زمانی و مکانی را از بین برده و قدرت زیادی در اختیار بشر قرار داده است. چون این فناوری فضای اشتراکی ایجاد کرده و مفاهیم جدیدی چون حاکمیت سایبری و غیره را به منصفه ظهور رسانده است، از طرفی این فضا شرایط سوء استفاده را برای افراد بزهکار فراهم کرده است، از این روی در این فضا نیز ممکن است انسان مرتکب جرم شود. چون چنین جرمی در فضای اینترنتی روی

۱- به عنوان مثال: کنوانسیون OECD در سال ۱۹۹۷، یا کنوانسیون مربوط به فساد اداری استراسبورگ ۱۹۹۹

می‌دهد آن را جرم الکترونیکی یا سایبری نام می‌نهند. برای مقابله با چنین جرایم و سوء استفاده از آن نیازمند تدوین قوانین جدیدی هستیم که حقوق سایبری نام دارد.

به طور کلی، آنچه امروز تحت عنوان جرم سایبر (Cyber Crime) قرار می‌گیرد، جرایمی هستند که نظایر آنها در دنیای فیزیکی نیز وجود دارد و فضای سایبر بدون تغییر ارکان مجرمانه‌شان، با امکاناتی که در اختیار مجرمان قرار می‌دهد، ارتکابشان را تسهیل می‌کند.

جرایم تحت شمول این حوزه بسیار گسترده‌اند و از جرایم علیه امنیت ملی و حتی بین‌المللی نظیر اقدامات تروریستی گرفته تا جرایم علیه اموال و اشخاص را در بر می‌گیرند. نمونه‌ای از این طیف، جرایم علیه آسایش عمومی می‌باشند، که جرم اخذ رشوه در فضای مجازی از زمره این جرایم محسوب می‌شود.

در این مقاله سعی شده است به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

۱. عنصر مادی جرم ارتشای سایبری چیست؟
۲. عنصر روانی جرم ارتشای سایبری چگونه قابل احراز است؟
۳. دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم ارتشای سایبری کجاست؟
۴. آیا در حقوق ایران در مورد جرم ارتشای سایبری نص و قانونی خاص داریم یا باید به عمومات جرم ارتشا مذکور در قانون مجازات اسلامی مراجعه کرد؟

آیا چنین رشوه‌هایی می‌توانند موضوع فصل یازدهم (ارتشاء، ربا و کلاهبرداری) از کتاب پنجم (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص قرار گیرند؟

۲- رشوه در لغت

از نظر لغوی، رشوه اسم مصدر و اصطلاحاً ناقص واوی به معنای کود و خاشاک یا طناب است. «رشا» از مصدر «یرشی» به معنای رشوه دادن و «ارتشا» مصدر ثلاثی مزید از باب افتعال به معنای رشوه گرفتن یا قبول رشوه کردن است. اسم فاعل آن در باب ثلاثی مجرد، «راشی» و در باب افتعال، «مرتشی» است (المنجد، ۱۳۶۵).

فیروزآبادی در قاموس و صاحب نیل الارب رشوه را جعل دانسته‌اند^۱ (فیروزآبادی، ۱۳۶۲، ۴، ۳۲۶). از نظر لغوی رشوه چیزی است که به کسی داده می‌شود تا کاری را برخلاف وظیفه خود انجام دهد یا حق کسی را ضایع کند و یا حکمی را برخلاف حق و عدالت صادر کند (عمید، ۱۳۶۴، ۱، ۵۲۹). این منظور در تحلیل معانی و کاربردهای رشوه و مشتقات آنچه به معنای طناب، یا ریسمان دلو، یا درازشدن گردن جوجه جهت گرفتن غذا از مادرش، یا اتصالات سیارات، یا رشد شاخه حنظل، یا طلب شیر توسط کودک شیرخواره، می‌نویسد یک وجه مشترکی وجود دارد و آن امتداد داشتن و متوسل شدن است و این با معنای اصطلاحی رشوه که نوعی توسل برای رسیدن به مقصود است، بی‌ارتباط نیست (این منظور، ۱۴۱۷، ذیل واژه).

«قلمما تستعمل الرشوه، الا فیما یتوصل به الی ابطال حق او تمشیه باطل»: استعمال رشوه بیشتر در مواردی است که موجب ابطال حق یا گذراندن و رسیدن به باطل می‌باشد (طریحی، ۱۳۶۲، ۱، ۱۸۴). «الجعل و هو ما یعطیه الشخص للحاکم و غیره، لیحکم او یحمله علی ما یرید» یعنی رشوه همان جعل است و عبارت است از اعطاء مال به حاکم یا غیر اوست، که به نفع دهنده مال حکم کند، یا او را (حاکم را) بر آنچه معطی اراده می‌کند، وادار نماید (زیبیدی، ۱۴۱۴، ۱۹، ۴۶۱). در «اقرّب الموارد» آمده چیزی که برای ابطال حق و یا احقاق باطل و یا برای تملق و چاپلوسی داده می‌شود، رشوه نامیده می‌شود (شرتونی، اقرّب الموارد، ۱، ۴۰۷). رشوه: دادن مالی است به مأمور رسمی یا غیررسمی دولتی یا بلدی به منظور انجام کاری از کارهای اداری و قضایی، ولو این که آن کار مربوط به شغل گیرنده مال نباشد؛ خواه مستقیم آن مال را دریافت کند یا به واسطه شخصی دیگر آن را بگیرد. این شخص واسطه را در فقه رایش گویند و دهنده مال را راشی و گیرنده مال را مرتشی خوانند... و شرط تحقق رشوه، تبانی و توافق گیرنده و دهنده برای دادن و گرفتن رشوه است (لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ۳۰). از مجموع اقوال بدست می‌آید که رشوه چیزی است که برای از بین بردن حق یا اثبات باطل داده می‌شود. به عبارتی دیگر لحن و سیاق این اقوال بر حرمت رشوه دلالت دارد.

۳- تعریف رشوه از نظر فقها

رشوه مالی است که جهت حکم به قاضی داده می‌شود؛ هرچند به عنوان جعل یا اجرت باشد (شهید اول، ۱۴۱۱، ۳، ۱۷۲؛ محقق کرکی، ۱۴۱۱، ۴/۳۷ - ۳۶).

۱- جعل به معنای اجرتی است که برای عامل در عقد جعاله قرار داده می‌شود.

از برخی نقل شده که رشوه عبارت است از مال بذل شده به قاضی به شرط حکم به باطل یا خودداری از حکم به حق (شهید ثانی، ۱۴۲۵، ۱۳، ۴۲۱؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ۱۲، ۴۹).

رشوه مالی است که در ازای جلب منفعت یا دفع ضرر به کسی داده می‌شود (نراقی، ۱۴۱۵، ۱۷، ۷۲).

الرشوه بما یبذله المتحاکمان (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ۱، ۲۴۱).

رشوه چیزی است که طرفین محاکمه به حاکم پرداخت می‌کنند تا به نفع آنها حکم شود. این تعریف از محقق ثانی و ابن ادریس است که همان معنایی که در قاموس به جعل تفسیر شده، مستفاد می‌شود.

رشوه در مکاسب تعریف نشده، ولی با توجه به نظر مشهور، شاید بهترین تعریف از آیت ... سید محمد کاظم طباطبایی یزدی باشد، بدین بیان: رشوه عبارت است از چیزی که به قاضی بذل می‌شود تا وی به نفع بذل کننده به باطل حکم کند یا به نفع او حکم نماید؛ اعم از آنکه حق باشد یا ناحق یا شیوه جدل با طرف مقابل را به او بیاموزد تا بر وی چیره گردد؛ خواه مبذول از سنخ مال باشد یا عمل، از قبیل دوختن لباس قاضی یا گفتار، همچون ستایش قاضی و یا انجام دادن کاری از کارهای وی، مانند برآوردن نیازی از نیازهای او (سیدیزدی، بی تا، ۳ / ۲۳-۲۲). رشوه عبارت است از مالی که کسی به جهت احقاق حق یا پیشبرد باطل یا چالپوسی یا دستیابی به خواسته خود و یا در ازای عملی که نزد عرف و عقلا رایگان و بر اساس حسّ تعاون و همیاری انجام می‌شود، به دیگری می‌دهد (خویی، ۱۳۷۸، ۱ / ۲۶۳ - ۲۶۲). «هی ما یعطیه الشخص للحاکم أو غیره لیحکم له أو یحمله علی ما یرید»؛ یعنی رشوه چیزی است که شخص به حاکم یا غیر آن می‌دهد تا به نفع او حکم کند یا به واسطه آن گیرنده رشوه را بر آنچه اراده می‌کند وادارد (ذوالمجدین، ۱۳۶۶، ۳۷). نقطه مشترک اقوال بیان شده درباره رشوه این است که مالی که به شخص قاضی داده می‌شود تا به نفع او حکم شود اعم از اینکه به حق باشد یا به ناحق.

نقطه افتراق اقوال در رابطه با قول دوم (نظر شهید ثانی و مقدس اردبیلی) است که مال بذل شده به قاضی را به شرط حکم به باطل یا خودداری از حکم به حق رشوه می‌داند.

۳-۱- ماهیت رشوه

یکی از مباحث مهم درباره رشوه این است که آیا متعلق رشوه فقط موارد مالی را شامل می‌شود یا موارد غیر مالی که شامل اعمال و اقوال مثل مدح قاضی، تعظیم و احترام او و انجام امور روزمره و حوائج او می‌شود را هم در بر می‌گیرد؟

به عبارتی دیگر هر چیزی که به واسطه آن قصد رسیدن به حکم وجود داشته باشد همچون عقد هبه، بیع محاببات یا وقف را هم شامل می‌شود؟

این بحث از جمله مباحث مهمی است که ظاهراً اولین بار مرحوم صاحب جواهر آن را به صورت سؤال مطرح نموده و در آخر نظرش را مبنی بر رشوه بودن این اقسام، اعلام داشته است. به نظر ایشان آنچه قوی به نظر می‌رسد قول به عمومیت و اطلاق معنای رشوه است که علاوه بر موارد مالی، سایر مواردی که قصد رسیدن به حکم وجود داشته باشد (موارد غیر مالی) را هم شامل می‌شود (نجفی، ۱۳۶۵، ۲۲/۱۴۶-۱۴۷). وی در ادامه می‌فرماید: اگر در دخول بعضی از افراد رشوه و یا به عبارتی در شمول آن شک شود و یا جزم به عدم دخول آنها پیدا شود، می‌توان گفت که حداقل در حکم رشوه و حرام می‌باشند (همان). محقق سبزواری معتقد است که در متعلق رشوه فرقی میان مال و اعمال و منافع نیست (سبزواری، ۱۴۲۰، ۹۷/۱۶). خوبی می‌گوید: «من نه از طریق خاصه و نه از طریق عامه نصی نیافتم که موضوع حقیقت رشوه را بیان کرده باشد. پس می‌توان گفت که در مورد ماهیت و معنی رشوه باید به عرف و لغت و تعاریف فقهاء مراجعه کرد» (خوبی، ۱۳۷۸، ۲۶۳/۱). آنچه از کلمات فقهاء و عرف و لغت استفاده می‌شود این است که رشوه عبارت است از آنچه شخص به دیگری می‌دهد تا به نفع او به حق یا باطل حکم کند و این اعطاء شامل هر نوع بخشش و امتیاز می‌گردد. آیه شریفه در مورد کسانی که رشوه می‌خورند تعبیر به اکالون للسحت (مائده/۴۲) نموده است.

منظور از اکل، مطلق تصرفات و بهره‌وری از امتیازات و بخششها اعم از مالی و غیرمالی است و اختصاصی به مال ندارد (فاضل مقداد، ۱۳۸۴، ۲، ۳۳). مصداق بارز ارتشاء رشوه مالی است، اما ممکن است رشوه به صورت قولی و عملی نیز تحقق یابد. بنابراین، هر قولی که هدف از آن رسیدن به حکم قاضی و یا عمل هر کارگزار باشد رشوه و یا به قول صاحب جواهر در حکم رشوه و حرام است؛ به دلیل این که اهمیت قول و گفتار در تأثیر بر حکم حاکم یا عمل کارگزار اگر بیشتر از مال نباشد، کمتر از آن نیست، چه بسا در برخی موارد از پرداخت مال یا وجه در افراد بیشتر تأثیر داشته و موجبات جلب نظر آنان را فراهم می‌کند. اما در خصوص فعل یا عملی که شخص انجام می‌دهد، مثلاً فردی به عنوان راننده قاضی کار کند، یا ضروریات زندگی او را انجام دهد، یا لباس او را بدوزد و... تا به موجب این عمل و کار به نفع وی حکم شود و حاکم نیز به علت همان عمل حکم به نفع او صادر نماید، در این صورت عمل فرد که متضمن نوعی منفعت است، از مصادیق مال بوده و بدون شک جرم ارتشاء تحقق می‌یابد؛ چنانچه بعضی از فقهاء نیز فقط

قائل به رشوه غیرمالی در اعمال و افعال شده‌اند (سبزواری، ۱۴۲۰، ۹۹/۱۶). در این صورت حاکم، به عنوان مرتشی هم مسؤولیت مدنی دارد و ضامن منافع عمل و کار او - رشوه دهنده - است و هم مسؤولیت کیفری، یعنی مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی، دارد. صاحب «عروه الوثقی» نوشته است: «رشوه گاهی مالی است، از قبیل عین و منفعت و گاهی عملی است برای قاضی، مثل: دوختن لباس و تعمیر خانه او و مانند آن و گاهی قولی است، مثل: مدح و ثنای او برای جلب قلبش به سوی خود تا به نفع او حکم کند. گاهی فعلی است، مثل: تلاش در برآورده شدن حاجت و اظهار بزرگی و گرمی داشت او و همانند اینها است؛ پس هر یک از این امور حرام است یا به علت صدق رشوه بر همه آنها و یا از آن جهت که محکوم به حکم رشوه است (سید یزدی، بی‌تا، ۳/ ۲۲ - ۲۱). در تفسیر آیه ۱۸۸ سوره بقره آمده است: و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خودتان نخورید و اموال را به (عنوان رشوه، به کیسه) حاکمان و قاضی‌ها سرازیر نکنید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، در حالی که خود می‌دانید (که خلاف می‌کنید).^۲

۳-۲- نکته‌ها

«تَدُلُّوا» به معنای سرازیر کردن دَلُو در چاه است که در این آیه، رشوه به قاضی به آن تشبیه شده است. مراد از «أَمْوَالِ النَّاسِ» هم اموال عمومی است و هم اموال خصوصی. علاوه بر آنکه رشوه برای گرفتن حقوق غیر مالی مردم نیز ممنوع است (قرائتی، ۱۳۷۶، ۱/ ۲۹۶).

در حقوق ایران جنبه مالی و مادی داشتن آن چه که داده و گرفته می‌شود شرط تحقق این جرایم است. بنابراین هرگاه کارمند در عوض مقاله‌ای که در تعریف و تمجید از او در روزنامه چاپ می‌گردد یا نمره قبولی که به او یا فرزندش داده می‌شود، یا رأیی که به نفع او در یک محکمه خانواده صادر می‌شود یا دیگری با او ازدواج می‌کند، یا به صرف خواهش و درخواست کسی کاری را (برخلاف وظیفه) انجام دهد یا از انجام آن خودداری ورزد، مرتشی محسوب نخواهد شد، همچنان که طرف مقابل نیز در این موارد راشی محسوب نمی‌شود. این شرط، که از به کار رفته شدن کلمات و عباراتی چون «وجه»، «مال»، «سند»، «ارزاتر از قیمت» و «گرانتر از قیمت» در متن مواد ۳ «قانون تشدید...» و ۵۹۰ «قانون تغزیرات» استنباط

۱- ر.ک ایزدی فرد، علی اکبر، «رشوه غیر مالی»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر (۳)، ۷۵، ۱۳۸۲، ص ۲۷ - ۱۱.
 ۲- بقره، ۱۸۸، و لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تَدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ.

می‌شود، موضع قانون ایران را در این مورد قابل انتقاد ساخته است (میر محمد صادقی، ۱۳۸۹، ۳۷۴-۳۷۳).

نکته دیگری که موضع قانون ایران را در محدود کردن این جرم به مواردی که یک چیز مادی به کارمند داده می‌شود انتقادپذیر می‌سازد، آن است که گاهی ما به ازای غیر مالی و سوسه کننده‌تر و فساد انگیزتر می‌باشند و بنابراین خارج کردن آنها از شمول مقررات راجع به رشوه صحیح به نظر نمی‌رسد. بدین ترتیب قوانین سایر کشورها، در بحث از مقررات راجع به رشوه، معمولاً به منافع مالی و غیر مالی اشاره کرده‌اند. مثلاً بر اساس «قانون عقوبات» مصر، بنا به تصریح ماده ۱۰۷، هدیه هر چیزی است که مرتشی از آن فایده‌ای، اعم از مادی یا غیر مادی، حاصل کند. بدین ترتیب هم فایده مادی (مثل دادن پول، که آن را می‌توان یک فایده و نفع مادی مستقیم دانست، یا خریدن ملک کارمند به قیمت بالاتر یا فروختن چیزی به او به قیمت کمتر از قیمت بازار، که نفع مادی غیرمستقیم برای او در بر دارد) مشمول عنوان رشا و ارتشا قرار می‌گیرد و هم فایده غیرمادی (مثل استخدام کردن یکی از خویشاوندان کارمند مربوطه).^۱

در انگلستان هم رشوه لزوماً جنبه مالی ندارد و شامل الطاف و توجهات جنسی،^۲ به شرط آن که منظور از آنها اغوای طرف یا پاداش دادن به وی باشد، هم می‌شود (همان: ۳۷۸-۳۷۷).

۴- حرمت رشوه

۴-۱- رشوه در قضاوت

گرفتن رشوه بر قاضی جهت حکم به نفع رشوه دهنده؛ به حق باشد یا به ناحق، حرام است. همچنین دادن رشوه به قاضی حرام است، مگر آنکه رسیدن به حق متوقف بر آن باشد، که در این صورت جایز است، هرچند گرفتن آن بر قاضی حرام می‌باشد. البته بنابر تعریف دوم برای رشوه، مالی که به قاضی جهت حکم به حق داده می‌شود مصداق رشوه نخواهد بود (نراقی، ۱۴۱۵، ۱۷/۷۲ - ۷۱؛ نجفی، ۱۳۶۵، ۲۲/۱۴۶ - ۱۴۵). برخی گفته‌اند: صدق رشوه در فرض بنای حاکم بر حکم به حق و عدم تأثیر رشوه در حکم وی، مشکل است (سید خوانساری، ۱۳۵۵، ۱۹/۶ - ۱۸)

ظاهر کلام برخی، جواز پرداخت رشوه به قاضی جهت رسیدن به حق خود است، هر چند رسیدن به

۱- رجوع شود به بخش‌های (۱) و (۲) و (۱) قانون فوق‌الذکر و نیز بخش (۱) ۴۷ قانون عدالت کیفری مصوب سال ۱۹۸۸.

۲- جهت تفصیل، ر.ک. رمسیس بهنام، الجرائم المضرة بالمصلحة العمومية، ۲۲.

حق منوط به آن نباشد؛ لیکن گرفتن آن بر قاضی حرام است (محقق حلی، ۱۴۰۹، ۴ / ۸۶۹؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ۵ / ۱۱۵). بنابر قول برخی، قبول هدیه بر قاضی در موردی که هدیه دهنده نزد قاضی دعوی مالی دارد حرام است. همچنین قبول هدیه از کسی که به قاضی، قبل از عهده‌داری سمت قضاوت، هدیه‌ای نمی‌داد بنابر قول برخی، حرام می‌باشد (نجفی، ۱۳۶۵، ۲۲ / ۱۴۷). بنابر قول مشهور، گرفتن جعل، همچنین اجرت بر قضاوت نیز بر قاضی حرام است (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ۱ / ۲۴۳ - ۲۴۲؛ تبریزی، صراه النجاه، ۱ / ۱۵۰). برخی آن را جایز دانسته‌اند (شیخ مفید، ۱۴۱۰، ۵۸۸؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ۱ / ۳۴۶). و برخی، بین صورت تعیین قضاوت بر قاضی و عدم تعیین آن تفصیل داده و در فرض نخست جایز ندانسته‌اند (تبریزی، ۱۳۸۳، ۱ / ۱۵۳). همان گونه که رشوه دادن و گرفتن حرام است، واسطه شدن برای رشوه نیز حرام می‌باشد (خویی، ۱۳۷۸، ۱ / ۲۷۴). «الرشوه علی الحاکم حرام و علی المرتشی إعادتها». رشوه دادن به حاکم حرام و بر مرتشی واجب است که آن را برگرداند (محقق حلی، ۱۴۱۰، ۲۷۲).

اسلام حتی برای اینکه قاضی گرفتار رشوه‌های مخفی و ناپیدا نشود، دستور می‌دهد قاضی نباید شخصاً به بازار برود میادا تخفیف قیمتها بطور ناخودآگاه روی قاضی اثر بگذارد و در قضاوت جانب‌داری تخفیف دهنده را کند، چه خوب است مسلمانان از کتاب آسمانی خود الهام بگیرند و همه چیز خود را در پای بت رشوه‌خواری قربانی نکنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲ / ۸).

رشوه گرفتن قاضی و مانند اینها همگی در مفهوم خوردن مال بیهوده است اگرچه بعضی افراد آن واضح و بعضی دورتر از تصدیق عموم مردم است و فقهاء هم به این آیه استدلال کرده‌اند در حکم بحرمت و بطلان بسیاری از معاملات که مشمول خوردن مال است از راه بیهوده و باطل (عاملی، ۱۳۴۳، ۱ / ۳۱۳).

۴-۲- رشوه در غیر قضاوت

به این شکل که به حاکم یا مدیرکل یا استاندار، مالی می‌دهند تا با حمایت او ظلم کند یا مرتکب خلافی گردد. روایت شده پیامبر (ص) به فردی مأموریت داد تا به نزد قبیله «زد» رفته و صدقات و زکات‌های آنان را جمع‌آوری کند وی پس از جمع‌آوری آنها، از تحویل چند رأس گوسفند خودداری کرد و گفت این گوسفندان را به من به عنوان هدیه داده‌اند. حضرت فرمود: اگر راست می‌گویی چرا در منزل خود ننشستی تا این هدیه را برایت بیاورند؟ (متقی هندی، ۴ / ۴۶۳). بنابر صدق رشوه در غیر قضاوت، آیا دادن و گرفتن رشوه در غیر قضاوت نیز حرام است؟ بنابر قول برخی، بر حاکمان عرفی از قبیل استاندار، فرماندار

و دیگر کارگزاران حکومتی که به لحاظ قانونی موظف به انجام دادن کارهای محول هستند، گرفتن رشوه حرام است. چنان که دادن رشوه به آنان نیز حرام می‌باشد (تبریزی، ۱۳۸۳، ۱ / ۲۵۷). در خصوص حرمت گرفتن رشوه بر عامل زکات ادعای اجماع شده است (شهید ثانی، ۱۴۲۵، ۱۳، ۴۱۹). در بیان برخی فقها هم تعبیری به کار رفته که عمومیت رشوه را می‌فهماند. مثل بیان مرحوم شیخ طوسی که فرموده «والفاسی بین المسلمین والعامل علیهم تحرم علی کل واحد منهم الرشوه» (دادویی، رشوه و احکام آن در فقه اسلامی، ۴۵).

جواز و حرمت گرفتن رشوه بر سایر افراد که به لحاظ شرعی و قانونی انجام دادن عمل بر آنان واجب و لازم نیست - بنابر صدق رشوه در این موارد - دایر مدار جواز و حرمت عمل است؛ بدین معنا که اگر عمل درخواستی حلال باشد، جایز و اگر حرام باشد، حرام است و چنانچه از اعمال مشترک باشد و شخص، خواستار انجام دادن عمل در هر صورت - اعم از حلال و حرام - باشد، بنابر قول برخی، گرفتن مالی در ازای آن حرام است؛ البته نه به جهت آنکه مصداق رشوه است، بلکه بدان جهت که مصداق اکل مال به باطل است (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ۱ / ۲۴۸ - ۲۴۷).

۵- فرق بین رشوه و هدیه

هدیه عطایایی است که شخص برای ایجاد دوستی و یا ازدیاد دوستی و یا تقرب به خدا بذل می‌نماید. رشوه چنانچه پیشتر هم ذکر شد مالی است که شخص به دادرس داده تا آن که بدان وسیله نظر او را جلب نموده و بر له خود و علیه دیگری حکم گیرد؛ و یا آن که دادرس بذل کننده را به رویه استدلال آشنا نموده تا آن که در دادگاه بتواند بر خصم غالب نماید.

از تعریف فوق چنین استفاده می‌شود که شخصی مالی را که بذل نموده اگر وسیله قرار دهد که به وی نفعی عاید شود و یا از ضرری محفوظ بماند خواه آن نفع و ضرر قولی باشد یا فعلی و خواه منتظره و یا غیر منتظره، از افراد و مصادیق رشوه بشمار رفته و حرام خواهد بود. بدین جهت اگر شخصی مالی را به عنوان هدیه و یا هبه و یا به عنوان دیگری مانند خمس و زکات به دادرس بدهد و قصدش آن باشد که بدو و یا بعداً اگر برایش دعوایی پیدا شود دادرس از وی طرفداری نموده، بر له او حکم دهد رشوه محسوب شده و باذل، مصداق راشی و میذول له، از افراد مرتشی می‌باشد.

حاصل آن که غرض از بذل مال اگر صرف دوستی یا آن که تقرب به دوست و یا تقرب به خدا باشد هدیه و اگر مقصود از آن جلب منفعت و یا دفع ضرر باشد مصداق رشوه می‌باشد (سنگلجی، ۱۳۸۱، ۳۴).

شیخ انصاری در تفاوت بین هدیه و رشوه چنین می‌گوید:

«و الفرق بینها و بین الرشوه: ان الرشوه تبذل لاجل الحکم و الهدیه تبذل لایراث الحب المحرک له علی الحکم علی وفق مطلبه و...». تفاوت بین هدیه و رشوه این است که رشوه به خاطر حکم داده می‌شود، ولی هدیه به منظور ایجاد حب و مودت در دل قاضی اعطا می‌شود تا همین رابطه دوستی محرک قاضی بر حکم (صدور رأی) مطابق میل و مراد شخص شود.

شیخ در ادامه می‌فرماید: «... فالظاهر حرمتها لأنها رشوه او بحکمها بتنقیح المناط و...». حال اگر قاضی یا مبدول له از قراین دریافت که این هدایا به چه منظور است، اینها برای حکم به نفع طرف است. در این فرض هدایا حکم رشوه را دارند؛ یعنی حرام هستند، زیرا که اینها یا مستقیماً رشوه هستند (در دید عرف هم این‌گونه است، ولو لغت نباشد) یا در حکم رشوه هستند و به تنقیح مناط حرام‌اند؛ یعنی مناط رشوه که اخذ جعل (عوض) است. للحکم بر نفع طرف و... در این هدایا هم هست، پس آنها حرامند (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ۲۴۶).

روایاتی داریم مبنی بر این که به طور کل هدایایی که به والی یا عمال و کارگزاران حکومت داده می‌شود، سخت و حرام است. از قبیل روایت اصیغ بن نباته که می‌فرماید: اگر والی هدیه‌ای بگیرد، خیانت کرده یا هدایای عمال خیانت و دزدی است یا سحت و حرام است. تمامی اینها بر فرض مذکور؛ یعنی اعطای هدایا به منظور جلب محبت والی و قاضی (و رشوه در حکم رشوه بودن) حمل می‌شود و از آن باب حرام است. آنچه مسلم است این که اگر هدیه به منظور جلب منفعت و دفع ضرر باشد و به سودجویی و سوداگری بدهد، همان حکم رشوه را دارد و قراین و اوضاع و احوال، اعم از زمان، موقع، محل، سمت شخص (قاضی یا عامل بودن)، مبلغ و میزان هدیه و... در صدق عنوان هدیه یا رشوه مدخلیت دارد. روزی به پیامبر با کرامت اسلام (ص) خبر دادند که یکی از حکمرانان مناطق اسلامی در حوزه فرمانروایی خود، هدیه‌ای را پذیرفته است! آن حضرت دستور تحقیق داد، پس از آن که صحت گزارش رسیده روشن شد، آزرده خاطر گشت و او را احضار کرد و از او توضیح خواست و فرمود: کیف تأخذ ما لیس لک بحق! چرا اقدام به قبول چیزی که حقت نیست، کرده‌ای؟ حاکم گفت: یا رسول الله هدیه بود. حضرت فرمود: اگر در منزلت می‌نشستی و دارای این موقعیت اجتماعی نبودی، آیا او برای تو هدیه می‌آورد؟ پس امر فرمود: آن مال را

به صاحبش بازگردانند و آن حاکم را نیز عزل کرد (همان). شیخ انصاری ضابطه هدیه را این گونه معرفی می‌کند: «واما البذل علی وجه الهدیه الموجه لقضاء الحاجه المباحه، فلا حظر فیه...» اگر نیاز مباح است، دادن هدیه به کسی که در رفع حاجت و برآوردن نیاز مباح اقدام یا کمکی کرد، منعی ندارد. نیاز مباح و مشروع را عرف جامعه و وجدان پاک به سادگی و روشنی تشخیص می‌دهد، همان سان که سوداگری و مال اندوزی و تباهی و آلودگی را بوضوح در می‌یابد (همان، ۲۴۸).

خلاصه همه فقها اتفاق دارند هدایایی که راشی قبل از صدور حکم به دادرسی پرداخت می‌کند و به لحاظ قرینه‌ای که دلالت می‌کند اگر این بذل جهت صدور حکم برای رفع خصومت صورت گرفته باشد، رشوه و در غیر این صورت هدیه محسوب می‌شود.

لفظ هدیه گاهی مجازاً در معنای رشوه و رشوه در معنای هدیه استعمال می‌شود و تشخیص و تمییز بین این دو آن است که اگر مقصود از بذل، حکم باشد (خواه برای خصومت معینه و یا خصومت فرضیه) رشوه و اگر غیر از این دو باشد هدیه است. بدین جهت تمام فقها هدایایی را که پیش از حکم به دادرسی می‌دهند به لحاظ قرینه مذکورهای که عبارت از درخواست حکم است اگرچه به نحو قرض هم باشد به حرمت آن حکم نموده‌اند چه پس از تخصیص عموم حدیثی که از پیغمبر (ص) رسیده «هدایا العمال غلول» و «هدیه العمال سحت» یعنی هدیه‌ای که از جانب فرمانگزاران داده می‌شود در حکم دزدی و مال باطل است (حر عاملی، ۱۶۳/۱۸) به موردی که مقصود از هدیه، وسیله برای حکم باشد، چنین هدایایی را عرفاً از مصادیق رشوه دانسته و به حرمت آن حکم نموده‌اند.

جهت تخصیص عموم این حدیث شریف، جمله اخباری است که دلالت دارد ائمه طاهرين از رعایای خود هدایایی را قبول می‌نمودند و پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «لو أهدی الی کراعاً لقبلیته» اگر قسمت باریک و لاغر پاچه گوسفندی هم بر من هدیه شود، می‌پذیرم! (همان).

سیره مسلمین هم در تمام اعصار و امصار بر این جاری بود که هدایا را قبول می‌نمودند.

در هر حال جواز و عدم جواز هدیه وابسته به قصد است. یعنی قبول هدیه هنگامی جایز است که به عنوان رشوه نباشد و در صورتی که قصد رشوه باشد بر آن احکام رشوه مترتب خواهد بود و از این رو معلوم می‌شود اگر شخصی مالی را به عنوان هدیه و یا هبه و یا صلح و یا بیع محاببات به دادرسی بذل کند و قصدش تحویل حکم باشد گرچه بر حسب ظاهر هدیه است ولی همگی از افراد و مصادیق رشوه بشمار رفته و حرام خواهد بود.

۶- ادله حرمت رشوه

برای اثبات حرمت برای رشوه، چهار دلیل: قرآن کریم، سنت، اجماع و عقل از جانب فقهای عظام بیان شده است که به آن اشاره می‌کنیم:

۶-۱- قرآن کریم

* «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ.» (بقره، ۱۸۸).

خداوند می‌فرماید: «و اموال یک دیگر را به باطل (و ناحق) در میان خودتان نخورید و اموال را به (عنوان رشوه، به کیسه) حاکمان و قاضی‌ها سرازیر نکنید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، در حالی که خود می‌دانید (که خلاف می‌کنید)». علامه طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه می‌گوید: «دلاء (مصدر تَدُلُّوا) در چاه کردن دلو برای کشیدن آب است و منظور از آن در آیه مبارکه، رشوه دادن به حاکمان است که کنایه‌ی لطیف و زیبایی بر این مطلب است که حکم مورد نظر رشوه دهنده را به منزله آب ته چاه قرار داده که به وسیله دلو رشوه، از آن بیرون کشیده می‌شود» (علامه طباطبایی، ۱۳۶۵، ۲/ ۵۲).

لا تَأْكُلُوا: تصرف نکنید.

تَدُلُّوا بِهَا: لا تدلوا بها: اموال را به عنوان رشوه به قضات جور نپردازید (سیدکریمی، ۱۳۸۳، ۲۹).

پس لازمه حرمت دادن رشوه، این است که گرفتن آن نیز حرام باشد (خویی، ۱۳۷۸، ۱/ ۲۳۴).

* «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ، اِكَالُونَ لِلسُّخْتِ وَ...» (مائده، ۴۲).

السُّخْتِ- ج أسخات: حرام، هر کسب و کار و حرفه‌ی حرام که نتیجه‌ی آن عار و ننگ باشد مانند گرفتن رشوه (مهیار، ۱۳۷۵، ۴۷۸).

«سخت» به ضم «س» بر وزن «جُفْتُ» در اصل به معنای جدا کردن پوست و نیز به معنی شدت گرسنگی است، پس به مال حرام و نامشروع مخصوصاً رشوه اطلاق شده است. مال مسحوت؛ یعنی برده شده و از بیخ کنده شده است، چون مال حرام و رشوه، برکت و صفا را از جامعه انسانی می‌برد، همان‌گونه که کندن پوست درختان، سبب از بین رفتن طراوت و پرمردگی آن می‌شود. چنان که این کلمه سه بار در قرآن در سوره مائده آیات ۴۲ و ۶۲ و ۶۳ استعمال شده است. از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده سخت رشوه گرفتن در قضاوت است (فیروزآبادی، ۱۳۶۲، ۳/ ۲۳۷).

سحت به معنای بهایی است که کسی در برابر فروختن مردار و سگ و شراب بگیرد و همچنین مهر زن زنا کار و رشوه گرفتن در برابر حکم و اجرتی که کاهن و جادوگر می‌گیرد سحت است (علامه طباطبایی، ۱۳۶۵، ۵/ ۵۹۱).

مفسرین «اکالون للسحت» را به رشوه‌خواران تفسیر کرده‌اند. حسن بصری گوید: بنی‌اسرائیل چنین بوده‌اند: هنگامی که دو نفر از آنان به نزد حاکم می‌آمدند، یکی از آن دو در آستینش رشوه بود، که آستین را می‌گشود، قاضی کلام او را شنیده و به نفع او حکم می‌کرد و خداوند با عزت و جلال، این آیه را فرو فرستاد: «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ، أَكَالُونَ لِلْسُّحْتِ».

أَكَالُونَ لِلْسُّحْتِ یعنی بسیار چیزهایی که دین آنان را می‌پوشاند. در کلام رسول خدا (ص) نیز آمده آنجا که فرمود: هر گوه‌تی که از سحت (یعنی از غذای حرام در بدن یک انسان) بروید آتش سزاوار به آن است و باز به همین جهت رشوه را "سحت" نامیدند. پس معلوم شد هر مالی که از راه حرام کسب شود سحت است و سیاق آیه دلالت دارد بر اینکه مراد از "سحت" در آیه شریفه همان رشوه است و از ایراد این وصف در این مقام معلوم می‌شود که علمای یهود که آن عده را به نزد پیامبر اسلام فرستادند در داستانی که پیش آمده بود، برای اینکه به حکم واقعی خدا حکم نکنند رشوه گرفته بودند و حکمی غیر حکم خدا کرده بودند چون اگر حکم خدا را اجرا می‌کردند یک طرف از دو طرف نزاع متضرر می‌شد و همین طرف با دادن رشوه ضرر را از خود دور ساخته بودند (همان، ۵/ ۵۵۸ - ۵۵۷).

* آیه ۶۳ از سوره مائده می‌فرماید: «يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَ اَكْلِهِمُ السَّحْتِ لَبَّسُوا مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ». این آیه بیانگر سرزنش علماء اهل کتاب به جهت گنهکاری اهل کتاب و سکوت آنان در مقابل گناهیانی مثل رشوه، ربا و نظایر آنها می‌باشد. نشان دادن و بیان نمونه‌ای از گناهان قولی ایشان است، که عبارتست از اثم و عدوان و گناه دیگر، گناه فعلی آنها که عبارتست از سحت، که منظور رشوه در حکم است (همان، ۶/ ۴۴ - ۴۳).

۶-۲- روایات

بسیاری از روایات گرفتن رشوه را از مصادیق کفر دانسته‌اند؛ مانند این روایات: پیامبر اکرم (ص) فرمود: "از رشوه دوری کنید؛ زیرا این کار کفر است و رشوه خوار بوی بهشت را استشمام نمی‌کند". امام صادق (ع) نیز در این باره می‌فرماید: "و اما رشوه، ای عمار! در مورد احکام، کفر به خدای بزرگ و رسول

او است» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ۱۲/۶۳). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: خداوند لعنت کند رشوه گیر و رشوه پرداز و کسی که واسطه میان آنهاست (قمی، ۱۴۱۴، ۳/۶۳). آن حضرت در حدیث دیگری می‌فرماید: «از رشوه پرهیزید که آن کفر محض است و صاحب رشوه هرگز بوی بهشت را احساس نخواهد کرد» (همان: ۳۲۵). امام علی (ع) از قول پیامبر (ص) که حوادث آینده را برای ایشان بازگو می‌کنند، می‌فرماید:

«ای علی! همانا این مردم به زودی با اموالشان دچار فتنه و آزمایش می‌شوند ... حرام خدا را با شبهات دروغین و هوس‌های غفلت‌زا حلال می‌کنند شراب را به بهانه این که آب انگور است و رشوه را که هدیه است و ربا را که نوعی معامله است، حلال می‌شمارند» (نهج البلاغه، خطبه ۶۵۱).

همچنین فرموده پیامبر اکرم (ص) است که: «لعن الله الراشی و المرثشی فی الحکم» (نوری، مستدرک الوسائل، ۳/۹۶). دیگر روایتی از حضرت صادق (ع) که می‌فرماید: «الرشاء فی الحکم هو کفر بالله» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ۱۸/۶۲). هر حاکمی که نسبت به گرفتاری‌های مردم بی‌تفاوت باشد، خداوند لطفش را نسبت به او می‌پوشاند و اگر هدیه قبول کند تا کار مردم را انجام دهد، در زنجیر است و اگر رشوه بگیرد، مشرک می‌باشد (همان، ۱۴۱۴، ۱۲/۶۳).

۶-۳- اجماع

دلیل دیگری که برخی از فقها در اثبات حرمت رشوه به آن استناد کرده‌اند، اجماع همه فرقه‌های اسلامی، اعم از شیعه و اهل سنت است (نجفی، ۱۳۶۵، ۲۲/۱۴۵؛ خویی، ۱۳۷۸، ۱/۲۶۳ - ۲۶۲). شیخ انصاری می‌گوید: «رشوه حرام است در جوامع المقاصد و مسالک ادعای اجتماع مسلمین بر حرمت رشوه شده است که کتاب و سنت بر آن دلالت می‌کند (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ۱/۱۲۲ - ۱۱۸).

و مرحوم طباطبایی به اجماع مسلمین تمسک کرده است و حرمت رشوه را از ضروریات دین می‌داند. به نظر ایشان رشاء در صورتی که برای طلب حکم به باطل باشد از باب اعانت بر اثم حرام است و اگر برای احقاق حق باشد به دلیل نفی ضرر و حرج در اسلام حرام نیست (سید یزدی، بی‌تا، ۳/۲۴ - ۲۲). در مقابل این نظر، مرحوم آشتیانی رشوه را مطلقاً حرام می‌داند، هر چند تحصیل حق متوقف بر آن باشد (آشتیانی، ۱۳۶۲، ۳۹ - ۳۸). صاحب مفتاح الکرامه (مرحوم سید جواد عاملی) نیز از جامع المقاصد در رشوه و حاشیه ارشاد اجماع مسلمانان را بر حرمت اخذ رشوه، در خصوص قضاوت را نقل کرده، خواه قاضی به حق حکم صادر نماید یا به باطل، بر له راشی یا بر علیه او (حسینی عاملی، ۱۳۷۷، ۴/۴۱).

دانشمندان اهل سنت معتقدند از نظر ایشان، اصحاب، تابعان و علمای امت بر تحریم رشوه به هر شکل و عنوان اجماع کرده‌اند و از آنان مدارکی در دست است که بر اجرا و تفسیر آنچه در قرآن و سنت آمده است مبادرت می‌ورزیدند و می‌کوشیدند تا حد ممکن سیاست دور کردن مردم از رشوه را به اجرا گذارند (عبدالرحمن، بی‌تا، ۱۰ - ۸). البته با توجه به دلایل کتاب و سنت اجماع در اینجا دلیل مستقلی نیست، بنابراین اشکال آن مدرکی بودن آن است.

۶-۴- عقل

رشوه ضررهای زیادی به اجتماع وارد می‌کند. وقتی کسانی بتوانند با پول به همه خواسته‌های خود برسند، بی‌پولان یا کسانی که رشوه را به هر دلیل پرداخت نمی‌کنند، در رسیدن به حق خود با مشکلات فراوانی روبرو می‌شوند. وقتی که مسئولین در قبال انجام کارها به گرفتن رشوه عادت کنند، دیگر برای افرادی که رشوه پرداخت نمی‌کنند به خوبی انجام وظیفه نمی‌کنند و نظام اداری به فساد کشیده می‌شود. در این صورت نه تنها یک گروه یا یک قشر از اقشار جامعه، که ملتی و جامعه‌ای آسیب می‌بیند، و «افساد فی الارض» تحقق می‌یابد و گاهی با گرفتن رشوه مصالح کشور بزرگی نادیده گرفته می‌شود به همین علت علمایی چون مقدس اردبیلی از عقل به عنوان دلیل مستقل بر حرمت رشوه یاد کرده‌اند؛ چنان که در کتاب «مجمع الفائده و البرهان» آمده است: «علت حرمت رشوه را می‌توان از عقل و نقل از حیث قرآن و اجماع مسلمین و سنت استفاده نمود (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ۱۲ / ۴۹). از ظاهر ادله‌ای که بر حرمت رشوه رسیده چنین استفاده می‌شود اگر کسی به هر عنوانی چیزی را به دادرسی بذر کند و آن را وسیله برای گرفتن حکم قرار دهد از مصادیق رشوه محسوب شده و نیز برگرفته آن حرام می‌باشد. از این رو معلوم می‌شود اگر یکی از متداعیین به عنوان یکی از عقود ناقله مانند صدقه، وقف، هبه و یا محاباتی^۱ و نظایر اینها و یا به عنوان دیگری مالی را به دادرسی بدهد و قصدش تحصیل حکم بر له خود و علیه دیگری باشد، مال مزبور چون در مقابل عوضی که حکم دادرسی است قرار می‌گیرد رشوه خواهد بود. بدیهی است چون این عمل ناشایسته و اعانت بر اثم است حرام و موجب فساد و بطلان معامله می‌باشد.

۱- معامله محاباتی به معامله معوضی می‌گویند که در آن تعادل عرفی بین عوض و معوض وجود ندارد. مثلاً یک گرم طلا را به یک تومان می‌فروشند و به این عدم تعادل هم آگاه است.

باشد و به هیچ عنوان و مجوز قانونی مال از ملک راشی خارج نشده و به ملک مرتشی منتقل نگردیده و در این مورد حکم دادرس نیز نافذ است (سنگلجی، ۱۳۸۱، ۳۴ - ۳۳).

۷- وقوع جرم در فضای مجازی

با غلبه اینترنت بر زندگی روزانه‌ی انسان‌ها طبیعی به نظر می‌رسد که بسیاری از مشخصه‌های جامعه سنتی به درون اینترنت کشیده شوند و در آنجا شکل گیرند. امروزه، امور زیادی از قبیل خرید و فروش، تحصیل، مشاوره خانوادگی، ازدواج و حتی مشاوره‌های پزشکی میان پزشکان و بیماران در اینترنت انجام می‌گیرد. از این رو هیچ جای تعجبی نیست که مجرمان اینترنتی در فضای مجازی مرتکب جرم شوند. به خصوص گمنامی این فضا بر گسترش این نوع جرایم دامن می‌زند، در این فضا کمتر هویت واقعی مشخص می‌شود و افراد با کتمان هویت خویش به راحتی مرتکب انواع جرایم می‌شوند.

۷-۱- خصوصیات وقوع جرم در فضای مجازی

از خصوصیات و ویژگی‌های رشوه اینترنتی، گمنامی و مجهول ماندن هویت مجرم یا مجرمان است. چرا که شخص راشی می‌تواند با هویتی جعلی بدون آن که خللی به کارش وارد گردد به عمل خود ادامه دهد. برخلاف رشوه سنتی که در اکثر قریب به اتفاق موارد به نحوی است که با حضور فیزیکی شخص راشی و مرتشی صورت می‌گیرد.

به عبارتی دیگر، در جرائم سایبری تابعیت مرتکب ناشناخته است. چرا که در فضای مجازی کاربران با شناسه‌های قراردادی همچون IP ها (قراردادهای اینترنتی) که تماماً مجازی و غیرقابل مشاهده و لمس هستند، شناسایی می‌شوند و حتی در صورت شناسایی کاربر مرتکب جرم، در واقع ما هویت مجازی و قراردادی وی را شناسایی کرده‌ایم نه هویت واقعی او را همچنان که در ادارات تشخیص هویت پلیس کشورها صورت می‌پذیرد.

ویژگی دیگر این است که، در فضای فیزیکی و سنتی مکان ارتکاب جرم می‌تواند متعدد باشد، اما در جرایم رایانه‌ای و سایبری به واسطه زیرساخت مخابرات و شبکه‌ای شدن کامپیوترها و گسترش اینترنت، این تعداد از حیث مکانی و نیز تعدد در خود یک عامل نه تعدد در عوامل، تغییر یافته است.

با این قابلیت و مشخصه محل وقوع جرم رشوه، محل شروع آن، محل اتمام جرم، کشف ادله و... در نگاه اول مفقود و کشف آن غیر ممکن به نظر می‌رسد.

بنابراین، به لحاظ ماهیت فراملی بودن فضای مجازی و سایبری و امکان ارتکاب جرم بدون نیاز به حضور فیزیکی مجرمان، تعقیب و پیگرد و در نهایت دستگیری آنها با مشکلات زیادی همراه خواهد شد.

۸- بررسی حقوقی رشوه در فضای مجازی

۸-۱- عنصر قانونی جرم رشوه مجازی

پس از اثبات این مطلب که رشوه علاوه بر موارد مالی شامل موارد غیرمالی هم می‌شود، این سؤال مطرح است که آیا تحقق رشوه منحصر در عالم محسوس و تکوین است؟ به عبارتی دیگر آنچه مسلم است این است که رشوه در عالم فیزیکی و سنتی اتفاق افتاده و می‌افتد.

حال با توجه به این شرایط آیا تحقق این جرم در فضای مجازی امکان دارد و نیز آیا ماده سوم قانون تشدید می‌تواند عنصر قانونی جرم رشوه رایانه‌ای نیز به شمار آید؟

در بررسی عنصر قانونی ملاحظه می‌شود که نه قوانین داخلی و نه سازمان‌های بین‌المللی از جمله OECD^۱ (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه)، شورای اروپا و کنوانسیون جرایم سایبر اشاره ای به رشوه رایانه‌ای نکرده‌اند، ولی آیا این بدین معناست که رشوه در فضای مجازی قابل تحقق نیست؟ مثلاً اگر شخصی وجهی را از طریق حساب سیبا به حساب دیگری انتقال دهد به دلیل این که کار را او انجام دهد آیا نمی‌توان گفت که رشوه تحقق یافته است؟ مسلماً جواب مثبت است و با مراجعه به قوانین سنتی مربوط به رشوه ملاحظه می‌شود که در رشوه فرقی بین وقوع آن در عالم فیزیکی و فضای مجازی وجود ندارد.

بنابراین، می‌توان تصور کرد که جرم رشوه در فضای مجازی تحقق یابد. مثلاً با ارسال نامه الکترونیکی (ایمیل) به قاضی یا کارگزار از او بخواهد که کار و درخواست او را انجام دهد و در مقابل، وی پول یا وجهی را به حساب او واریز کند.

در همین مثال می‌توان تصور کرد که در مقابل کاری که قاضی یا کارگزار انجام می‌دهد، حاجات و نیازهای او را برطرف نماید و یا ضروریات زندگی روزمره او را انجام دهد.

رشوه جزء فعالیت‌های تجاری و مدنی غیرقانونی و غیرمجاز است که می‌تواند از طریق شبکه اطلاع

1-Organization for Economic co-operation & Development-OECD

رسانی و اینترنت از قبیل جعل، اختلاس، قمار و... ارتکاب یابد. هرچند آمار دقیقی از مصادیق جرم رشوه اینترنتی و مجازی در دست نیست، اما بدون شک این جرم در این فضا اتفاق افتاده و می‌افتد و در آینده آمار و مصادیق آن هم چون سرقت رایانه‌ای، کلاهبرداری رایانه‌ای، تخریب داده‌ها و... انتشار داده می‌شود. در قوانین سنتی ایران ماده سوم قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری (مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام) و مواد ۵۸۸-۵۹۴ قانون مجازات اسلامی عنصر قانونی جرم رشوه را تشکیل می‌دهد. ماده سوم قانون تشدید و مواد ۵۹۲ و ۵۹۰ قانون مجازات اسلامی به دلیل ارتباط بیشتر با عنصر مادی جرم رشوه در این جا بیان می‌شود: ماده سوم مقرر می‌دارد:

هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت و با مأمورین به خدمات عمومی، خواه رسمی یا غیررسمی، برای انجام‌دادن یا انجام‌ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور می‌باشد، وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیرمستقیم قبول نماید، در حکم مرتشی است؛ اعم از این که مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا آن که مربوط به مأمور دیگری در آن سازمان باشد؛ خواه آن کار را انجام داده یا نداده و انجام آن بر طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آن که در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده به ترتیب ذیل مجازات می‌شود ...

ماده ۵۹۰ چنین مقرر می‌دارد: اگر رشوه به صورت وجه نقد نباشد، بلکه مالی بلاعوض یا به مقدار فاحش ارزان تر از قیمت به مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری، به طور مستقیم یا غیرمستقیم منتقل شود یا برای همان مقاصد مالی به مقدار فاحشی گران‌تر از قیمت از مستخدمین یا مأمورین، مستقیم یا غیرمستقیم خریداری گردد، مستخدمین و مأمورین مزبور مرتشی و طرف معامله راشی محسوب می‌شود. در ماده ۵۹۲ آمده است: هر کس عالماً و عامداً برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در ماده سوم قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری (مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام) می‌باشد وجه یا مالی یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیم یا غیر مستقیم بدهد، در حکم راشی است.

همان طور که از متن مواد یاد شده معلوم می‌شود عمل فیزیکی لازم برای تحقق عنصر مادی جرایم رشا و ارتشا عبارت است از دادن یا قبول کردن وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم و نیز انجام معامله با مبلغ غیر واقعی (میر محمد صادقی، ۱۳۸۹، ۳۶۵).

نکته‌ای که از این جا استنباط می‌شود این است که در تحقق رشوه مهم دادن یا اخذ کردن است؛ حال به هر وسیله‌ای که باشد. به عبارت دیگر، وسیله تأثیری در تحقق یا عدم تحقق جرم رشوه ندارد؛ چه این عمل در فضای مجازی انجام شود و چه به طور فیزیکی و در عالم خارج.

۸-۲- عنصر مادی جرم رشوه مجازی

عنصر مادی یا "کالبد جرم" که همان تحقق اراده مرتکب در عالم واقع است نیرویی است که می‌خواهد در عالم خارج چیزی را تغییر دهد و از سوی علمای حقوق عمل مجرمانه نامیده می‌شود. زمانی جرم انجام شده یا کامل محسوب می‌شود که تغییر صورت حاصل شده باشد. برای اینکه جرمی وجود خارجی پیدا کند، پیدایش عنصر مادی ضرورت دارد، زیرا فکر و قصد مجرمانه به تنهایی برای ارتکاب جرم کافی نیست. از مجموع اقوالی که در همین مقاله مورد بررسی قرار گرفت، به این نتیجه رسیدیم که رشوه چیزی است که برای از بین بردن حق یا اثبات باطل داده می‌شود. بسیاری از تعاریف لغوی و اصطلاحی فقها در رابطه با رشوه با این قید [چیزی] صورت گرفت، که نشانگر این مطلب است که رشوه علاوه بر موارد مالی شامل موارد غیرمالی همچون اعمال و اقوال مثل مدح قاضی، تعظیم و احترام او و انجام امور روزمره و حوائج او و... را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین، رکن مادی جرم رشوه از اجزای زیر تشکیل می‌شود:

۸-۲-۱- رفتار مجرمانه

رفتار مجرمانه در این جرم عبارت است از اینکه راشی مال یا وجه و یا هر فعل و قولی که متضمن منفعت برای مرتشی باشد، را به طرف مقابل (به طور مثال: از طریق پست الکترونیکی) پیشنهاد کند. البته صرف پیشنهاد رشوه، نمی‌تواند مشمول مقررات کیفری رشاء و ارتشاء گردد بلکه باید عمل از طریق اینترنت و محیط مجازی مبنی بر دادن و گرفتن صورت گرفته باشد. چه این پیشنهاد از سوی راشی باشد، چه از سوی مرتشی.

۸-۲-۲- موضوع جرم

موضوع جرم همان اعطاء می‌باشد. مضمون آن شامل موارد مالی با عباراتی چون «وجه»، «مال»، «سند»، «نفع مادی مستقیم» «ارزانتتر از قیمت» و «گرانتر از قیمت» (نفع مادی غیرمستقیم) و همچنین فایده غیرمادی که در متن مواد ۳ «قانون تشدید...» و ۵۹۰ «قانون تعزیرات» استنباط می‌شود.

۸-۲-۳- وسیله ارتکاب جرم

جرم رشوه از طریق اینترنت و فضای مجازی مانند دیگر جرایم رایانه‌ای و سایبری است که از طریق رایانه ارتکاب می‌یابد. به عبارتی دیگر، در جرایم اینترنتی وسیله ارتکاب جرم نسبت به محیط فیزیکی و سنتی تغییر پیدا کرده است.

۸-۲-۴- نتیجه مجرمانه

جرم رشوه از جمله جرایمی است که مبتنی بر عمد و علم است. بنابراین می‌بایست بین فعل و عمل مجرمانه تقارن وجود داشته باشد. در غیر این صورت جرم رشوه محقق نمی‌شود.

۸-۳- عنصر روانی رشوه مجازی

این جرم با توجه به قید (عالماً و عامداً)^۱ در زمره جرایم عمدی است و اثبات علم و عمد در تحقق آن ضروری است. یعنی می‌بایست عمد در فعل (سوء نیت عام) و قصد نتیجه (سوء نیت خاص) احراز شود تا بتوان شخص را به ارتکاب این جرم مجازات نمود، از سوی دیگر مبحث تقارن میان فعل و عمل مجرمانه نیز باید وجود داشته باشد. بنابراین، اگر شخص در فضای اینترنتی و مجازی با علم به اینکه عمل او خلاف قانون یا شرع است، اقدام به اخذ رشوه کند، سوءنیت عام و همچنین محرزشدن اینکه او به هدف خود رسیده است، سوءنیت خاص محقق شده و او را می‌توان به خاطر ارتکاب جرم اخذ رشوه مجازات نمود.

۸-۴- رشوه مجازی در حقوق ایران

در بررسی عنصر قانونی ملاحظه شد که چه در قوانین داخلی و چه در سازمان‌های بین‌المللی هم چون OECD (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه)، شورای اروپا و کنوانسیون جرایم سایبر اشاره‌ای به رشوه اینترنتی نشده است.

۱- در مورد جرم رشوه ماده ۵۹۲ اشعار می‌دارد که: هرکس "عالماً و عامداً" برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در ماده (۳) قانون تشدید ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۷۶/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد وجه یا مالی یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیم یا غیرمستقیم بدهد در حکم راشی است و بعنوان مجازات علاوه بر ضبط مال ناشی از ارتشاء به حبس از ششماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود.

در حقوق ایران هم در مورد جرم ارتشای سایبری نص و قانون خاصی به چشم نمی‌خورد. بنابراین، باید به عموماً جرم ارتشاء در ماده سوم قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری (مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام) و مواد ۵۸۸-۵۹۴ قانون مجازات اسلامی و مواد ۵۹۲ و ۵۹۰ قانون مجازات اسلامی و همچنین قانون مجازات اسلامی مراجعه شود.

۹- صلاحیت قضایی در رابطه با جرایم سایبر

گسترش شبکه‌های جهانی رایانه‌ای چندیست که مرزهای جغرافیایی را با خلل روبه رو کرده است. استفاده از شبکه‌های جهانی اینترنتی به شدت رو به افزایش است. همین که پیوستن به شبکه‌های اینترنتی افزایش می‌یابد - یعنی جایی که بسیاری از افراد با هم تبادل دارند - مباحث حقوقی، اعم از کیفری و خصوصی به شکل تازه‌ای مطرح می‌گردد.

در فضا و مکان واقعی، یک شرکت یا طرف تجاری معمولاً می‌تواند مکانی واحد یا شخصی را که با او در تبادل است شناسایی نماید. چرا که این کار به شناسایی طرفین و اعتبار و مشروعیت مبادلات کمک می‌کند. ولی انجام این کار در محیط مجازی رایانه‌ای بسیار دشوار است. زیرا در اینجا طرفین یک مبادله ممکن است در دو اتاق هم جوار یا در دو سوی جهان باشند و شبکه هم راهی برای تشخیص این تفاوت ارائه نمی‌دهد. ماشین‌های اینترنتی «آدرس» دارند ولی این آدرس جایگاه آنها را در شبکه مشخص می‌کند نه در مکان و موقعیت ارضی. البته بعضی آدرس‌های اینترنتی مشخص‌کننده‌های جغرافیایی، یا مشخص‌کننده‌هایی که از نظر جغرافیایی قابل تعیین باشند را در خود دارند. برای مثال، یک آدرس اینترنتی که پسوند (UK) را داشته باشد در بریتانیای کبیر (United Kingdom) قرار دارد.

ولی متأسفانه اکثر آدرس‌های اینترنتی فاقد چنین تعیین‌کننده‌های جغرافیایی هستند. مهمتر از آن، تمام آدرس‌های اینترنتی به راحتی قابل انتقال هستند، زیرا برخلاف آدرس‌های فیزیکی در فضای واقعی زندگی آدرس‌هایی قراردادی در شبکه هستند. به عبارت دیگر، هیچ‌گونه هماهنگی و هم‌سویی بین فضا و مکان واقعی از یک سو و فضای مجازی رایانه‌ای وجود ندارد.

اما مسأله مهم اینجاست که با توجه به ماهیت جرایم اینترنتی (فراملی و فرامرزی بودن) تعیین محل وقوع جرم و یا محل حصول نتیجه همیشه و به آسانی مقدور نیست و به فرض شناسایی محل ارتکاب جرم و یا محل حصول نتیجه جرم (در صورت تعدد محل‌های ارتکاب)، کدام حوزه صالح به رسیدگی خواهد بود و

اگر چندین کشور درگیر چنین جرایمی شده باشند، اینکه کدام کشور و مهمتر اینکه داخل هر کشور، کدام یک از حوزه‌های قضایی داخلی، صالح به رسیدگی خواهند بود، موضوع بحث است.

جرم سایبر بلحاظ ماهیت مجازی و غیر واقعی خود، حقیقتاً نمود عینی و ملموسی، شبیه آنچه در جرایم سنتی مثل ضرب و جرح و یاسرقت و ... مشاهده می‌کنیم از خود به نمایش نمی‌گذارد. بلکه جرم سایبر در واقع در بستر مبادلات الکترونیکی و بر روی داده‌ها و اطلاعات و بعضاً (بندرت) بر روی سیستم‌های فیزیکی و سخت افزاری ارتکاب می‌یابد. در جائیکه جرم سایبر بر روی داده‌ها ارتکاب یافته، تعیین محل ارتکاب جرم کاری بس دشوار و در برخی موارد حتی غیر ممکن به نظر می‌رسد. محل وقوع جرم سایبری بطور دقیق یعنی محل و مکانی که این داده‌ها دستخوش حملات مجرمانه قرار گرفته و دگرگون شده‌اند.

در هر صورت، تعیین محل ارتکاب فعل مجرمانه (سایبری) در فضای مجازی مبادلات داده‌ها، براحتم امکانپذیر نبوده و نیست. ملاحظه می‌شود که جرایم محیط سایبر بر خلاف جرایم سنتی که در مکانهای مشخص و یا محصور اعم از یک اتاق، یک ساختمان و یا یک منطقه رخ می‌دهند، ممکن است در چند گوشه کره زمین ارتکاب یابند همچنین با این تفاوت که نه تنها از نقطه نظر فنی و تکنیکی بلکه از نقطه نظر حقوق کیفری نیز نمی‌توان بطور حتم مکان واحدی را به عنوان محل ارتکاب جرم برگزید.

با این اوصاف تدابیر قوانین دادرسی سنتی که با پارامترهایی همچون محل ارتکاب جرم (صلاحیت سرزمینی) تبیین شده‌اند، کارائی خود را از دست خواهند داد. زیرا اصلاً در وهله نخست شروع به تعقیب و رسیدگی به این جرائم خاص نمی‌دانیم جرم در کدام حوزه واقع شده تا بنا به اصل صلاحیت سرزمینی اولاً کشور صالح و سپس باتوجه به قواعد پیش بینی شده در قوانین دادرسی، حوزه قضایی صالح را شناسایی نمائیم.

ماهیت جرائم سایبر اصولاً ماهیتی فرامرزی بوده و می‌بایست بدون در نظر گرفتن مکان و موقعیت فیزیکی مرتکب، محل ارتکاب و ... مورد بررسی قرار گیرند.

اما در خصوص تعارض صلاحیت در حوزه‌های قضایی داخلی، می‌توان با تأسیس یک هیأت و یا شعبه مرکزی، در خصوص رسیدگی به جرائم سایبر در کشور، که با توجه به قابلیت‌های تخصصی وامکانات مالی و تجهیزاتی علی القاعده در تهران برپا خواهد شد، به تمامی مراجع قضایی سراسر کشور تکلیف نمود، تا در صورت دریافت هرگونه گزارش از مقامات ذیصلاح و یا وصول شکوائیه و یا مشاهده هرگونه جرمی از جرائم محیط سایبر، بلافاصله شعبه مرکزی را در جریان امر قرار داده و منتظر تعیین تکلیف از سوی شعبه

مرکزی بمانند. این شعبه، با در نظر گرفتن معیارهای اصولی گامی مؤثر در جهت تعیین مرجع صالح واحد، و جلوگیری از تراکم پرونده در حوزه‌های مختلف و اصدار آراء متهاافت و متعارض برداشته خواهد شد.

در رابطه با رشوه مجازی هم با توجه به قانون جرایم رایانه‌ای می‌توان برای تشخیص صلاحیت دادگاه‌ها به مواد ۲۸، ۲۹ و ۳۰ مندرج در این قانون مراجعه نمود. محتوای این مواد بدین شرح است:

ماده (۲۸) علاوه بر موارد پیش‌بینی شده در دیگر قوانین، دادگاه‌های ایران در موارد زیر نیز صالح به رسیدگی خواهند بود:

الف) داده‌های مجرمانه یا داده‌هایی که برای ارتکاب جرم به کار رفته‌اند به هر نحو در سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی یا حامل‌های داده موجود در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران ذخیره شده باشد.

ب) جرم از طریق وب سایت‌های دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران ارتکاب یافته باشد.

ج) جرم توسط هر ایرانی یا غیرایرانی در خارج از ایران علیه سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی و وب سایت‌های مورد استفاده یا تحت کنترل قوای سه‌گانه یا نهاد رهبری یا نمایندگی‌های رسمی دولت یا هر نهاد یا مؤسسه‌ای که خدمات عمومی ارائه می‌دهد یا علیه وب سایت‌های دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران در سطح گسترده ارتکاب یافته باشد.

د) جرایم رایانه‌ای متضمن سوءاستفاده از اشخاص کمتر از ۱۸ سال، اعم از آنکه مرتکب یا بزه دیده ایرانی یا غیرایرانی باشد.

ماده (۲۹) چنانچه جرم رایانه‌ای در محلی کشف یا گزارش شود، ولی محل وقوع آن معلوم نباشد، دادسرای محل کشف مکلف است تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. چنانچه محل وقوع جرم مشخص نشود، دادسرا پس از اتمام تحقیقات مبادرت به صدور قرار می‌کند و دادگاه مربوط نیز رأی مقتضی را صادر خواهد کرد.

ماده (۳۰) قوه قضاییه موظف است به تناسب ضرورت شعبه یا شعبی از دادسراها، دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نظامی و تجدیدنظر را برای رسیدگی به جرائم رایانه‌ای اختصاص دهد.

با توجه به موارد فوق، مواد ۲۹ و ۳۰ می‌توانند برای جرم رشوه اینترنتی در مورد تعیین صلاحیت دادگاهها برای رسیدگی به این دعوا مؤثر باشند. با در نظر گرفتن سیاق ماده ۲۹، دادگاه محل وقوع جرم

صالح به رسیدگی است، هرچند با توجه به ماهیت جرایم اینترنتی (فراملی و فرامرزی بودن) تعیین محل وقوع جرم و یا محل حصول نتیجه همیشه و به آسانی مقدور نیست.

۱۰- نتیجه‌گیری

رشوه نمونه بارز ظلم و ستم است و افرادی که برای رسیدن به مقاصد نامشروع خود از راه رشوه وارد می‌شوند، مورد نفرت دیگران قرار می‌گیرند. دلالت آیات قرآن کریم و روایات معصومین بر حرمت رشوه روشن بوده و چنین حرمتی، اجماع فقهاء و دلیل عقلی را نیز مستند خویش دارد. حرمت رشوه مختص به باب قضاوت نیست و شامل هر نوع شغل و منصبی می‌شود. موضوع رشوه عام بوده و علاوه بر وجه نقد هر گونه تعهدی (اعم از مالی و غیرمالی) را که موجب انتفای مرتشی شود را شامل می‌شود.

با توجه به مطالب طرح شده در این مقاله بدین نتیجه رسیده‌ایم که رکن مادی جرم رشوه اینترنتی و نیز وسیله ارتکاب این جرم نسبت به دنیای سنتی و فیزیکی متفاوت است. در ارتباط با خصوصیات وقوع جرم در فضای مجازی باید اذعان نمود که به لحاظ ماهیت فراملی بودن فضای مجازی و سایبری و امکان ارتکاب جرم بدون نیاز به حضور فیزیکی مجرمان و همچنین به دلیل مکتوم ماندن هویت مجرم، تعقیب و پیگیری و در نهایت دستگیری آنها با مشکلات فراوانی روبرو می‌باشد. در حقوق ایران هم بدلیل اینکه نص و قانون خاصی درباره رشوه مجازی نداریم، باید به عمومات جرم ارتشا مذکور در قانون مجازات اسلامی مراجعه نمود.

در ارتباط با صلاحیت قضایی جرایم سایبری نیز باید به سیاق ماده ۲۹ قانون جرایم رایانه ای مراجعه کرد و با توجه به این قانون، دادگاه محل وقوع جرم صالح به رسیدگی می‌باشد. در مقام ارائه پیشنهاد به نظر می‌رسد اعمال راهکارهایی از جمله قانونمند کردن استفاده از رایانه، اینترنت و به طور کلی ارتباطات رایانه‌ای می‌تواند موجب کاهش چشمگیر جرایم رایانه‌ای شود و شایسته است مجازات جرایم رایانه‌ای نسبت به نوع سنتی آن از شدت و حدت بیشتری برخوردار شود، چون جرایم رایانه‌ای می‌تواند جهان را برای فرد بزه دیده ناآرام کند، زیرا بازتاب بزه در جرایم رایانه‌ای بسیار وسیع‌تر از حالت سنتی است، لذا به نظر می‌رسد که وضع ماده قانونی خاصی را می‌طلبد.

فهرست منابع

۱- قرآن کریم.

- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- قانون مجازات اسلامی.
- ۴- قانون جرایم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸/۱۱/۱۱).
- ۵- ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز، ۱۴۰۶، المهذب، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، (بی‌تا).
- ۶- ابن منظور، محمد، ۱۴۱۷، لسان العرب، دارالحياء التراث العربی، بیروت.
- ۷- آشتیانی، میرزا محمد حسن، ۱۳۶۲، کتاب القضاء، انتشارات هجرت، قم.
- ۸- اصغری، سید محمد، ۱۳۷۷، بررسی حقوقی و فقهی دو مسأله رشوه و احتکار، مؤسسه اطلاعات، تهران.
- ۹- انصاری، شیخ مرتضی، ۱۴۱۵، مکاسب، منشورات دار الذخائر، قم.
- ۱۰- ایزدی فرد، علی اکبر، ۱۳۸۲، «رشوه غیر مالی»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر (۳) ۷۵.
- ۱۱- تبریزی، میرزا جواد، ۱۳۸۳، صراه النجاه، قم، چاپ دوم.
- ۱۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۸، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران.
- ۱۳- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴، وسائل الشیعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۱۴- حسینی عاملی، محمدجواد بن محمد، ۱۳۷۷، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد...، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، جماعه المدرسین الحوزه العلمیه بقم.
- ۱۵- حلی، حسن بن یوسف مطهر (علامه حلی)، ۱۴۲۰، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، مؤسسه الامام الصادق، قم، الطبعة الاولى.
- ۱۶- خوانساری، سیداحمد، ۱۳۵۵، جامع المدارک، الناشر مکتبه الصدوق، طهران، الطبعة الثانيه.
- ۱۷- خویی، ابوالقاسم، ۱۳۷۸، مصباح الفقاهه، مطبعه سیدالشهداء، قم.
- ۱۸- دادویی، حمیدرضا، ۱۳۸۴، رشوه و احکام آن در فقه اسلامی، بوستان کتاب، قم.
- ۱۹- ذو‌المجدين، زین العابدین، ۱۳۶۶، فقه و تجارت، دانشگاه تهران.
- ۲۰- زبیدی، محمدبن مرتضی، ۱۴۱۴، تاج العروس، دارالمکتبه الحیات، بیروت، بی‌تا.
- ۲۱- سبزواری، سید عبد الاعلی، ۱۴۲۰، مهذب الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام، آداب، نجف.
- ۲۲- سنگلجی، محمد، ۱۳۸۱، قضا در اسلام، دانشگاه تهران.
- ۲۳- سید کریمی، سید عباس، ۱۳۸۳، تفسیر علین، تهران.
- ۲۴- شرتونی، سعید، ۱۳۷۱، اقرب الموارد فی فصیح العربی هو الشوارد، مکتبه لبنان، بیروت.

- ۲۵- شهید اول، محمد بن مکی، ۱۴۱۱، اللعه دمشقیه، دار الفکر، ایران، الطبعة الاولى.
- ۲۶- شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۲۵، مسالک الافهام، مؤسسه معارف، قم.
- ۲۷- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۶۵، تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- ۲۸- طریحی، فخرالدین، ۱۳۶۲، مجمع البحرین، المكتبه المرتضویه، تهران.
- ۲۹- عاملی، ابراهیم، ۱۳۴۳، تفسیر عاملی، انتشارات باستان، تهران.
- ۳۰- عبدالرحمن، حمد، بی تا، گفتار کوتاهی در باره رشوه، ترجمه محمد صادقی، مؤسسه مطبع الفجر، قم.
- ۳۱- عمید، حسن، ۱۳۶۴، فرهنگ عمید، مؤسسه انتشارات امیرکبیر وابسته به سازمان تبلیغاتی اسلامی، تهران.
- ۳۲- فاضل مقداد، جمال الدین، ۱۳۸۴، کنزالعرفان فی فقه القرآن، انتشارات مرتضوی، تهران.
- ۳۳- قرائتی، محسن، ۱۳۷۶، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران.
- ۳۴- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۲، قاموس المحيط، دارالفکر، بیروت.
- ۳۵- قمی، عباس، ۱۴۱۴، سفینه البحار، دارالاسوه، تهران.
- ۳۶- کرکی، علی، ۱۴۱۱، جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه آل البيت(ع)، بیروت.
- ۳۷- متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنزالعمال فی سنن الافعال و الاقوال، مؤسسه الرساله، بیروت، ۳
- ۳۸- محقق حلی، ۱۴۰۹، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، انتشارات استقلال، قم.
- ۳۹- محقق حلی، ۱۴۱۰، مختصرالنافع، مؤسسه البعثه، طهران.
- ۴۰- مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۰، المقنعه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، الطبعة الثانيه.
- ۴۱- مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- ۴۲- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- ۴۳- مهبیار، رضا، ۱۳۷۵، فرهنگ ابجدی عربی فارسی، اسلامی، تهران.
- ۴۴- میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۸۹، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، میزان، تهران.
- ۴۵- نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۵، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم.
- ۴۶- نراقی، ملااحمد، ۱۴۱۵، مستند الشیعه، نشر آل بیت لاحیاء التراث، مشهد.
- ۴۷- نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۳۴۰، مستدرک الوسائل، اسلامی، تهران.

۴۹- یزدی، سیدمحمدکاظم، بی‌تا، العروه الوثقی، انتشارات حیدریه، نجف.